

ضرورت بازنگری اصول تعاون در هزاره سوم

سید علی نکوئی نائینی

این تعاونی‌ها در آغاز با توجه به تجارب عملی پدید آمدند لذا موفق بودند و قواعد مربوط به آنها به‌عنوان اصول تعاونی، حتی برای انواع دیگر تعاونی، مطرح شد و هنوز چند اصل آن به‌عنوان اصول تعاونی مورد استناد است. "اصول تعاون" خصائصی بنیادی هستند که ماهیت تعاون را به‌عنوان صورتی از ارزش‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند. این اصول، دستورالعمل‌ها و قوانینی هستند که پس از ارائه پیشنهاد تشکیل اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۸۶۶ میلادی توسط بلوز فرانسوی (Beluse) و برگزاری اولین کنگره بین‌المللی در لندن برای بررسی اصول اساسی تعاونی راچدیل شکل گرفت. هدف از تشکیل این کمیته، مقایسه اصول تعاونی راچدیل با مدارک اصلی و روش‌های متداول تعاونی‌های کشورهای مختلف جهان می‌باشد. اصول تعاون مصوب اتحادیه بین‌المللی تعاون در آغاز با تأکید بر اصول راچدیل مورد تأکید قرار گرفتند و در مراحل بعدی به تدریج نکات دیگری بر آن اضافه شد. تفاوت در طبقه‌بندی اصول تعاون تا حد زیادی تحت تأثیر تنوع فعالیت‌ها و تأکید کم و زیاد بر قواعد عملی تعاونی به‌عنوان اصل تعاونی است. در حال حاضر دگرگونی‌های حاصله در شرایط اقتصادی تکنولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهای مختلف تفاوت اصول ناشی از تنوع فعالیت‌های تعاونی را تحت الشعاع

نهضت تعاون هم واحد است و هم متنوع. این تنوع ناشی از ویژگی‌های اقشاری است که اقدام به تشکیل تعاونی می‌نمایند و نوع نیازهایی است که تأمین آن از طریق نهضت تعاون مدنظر قرار می‌گیرد و سرانجام خصوصیات نظام اقتصادی حاکم در جامع و مناسباتی است که دولت با فعالیت‌های تعاونی دارد، نهضت تعاون خود را به‌عنوان یک «واحد کل» عرضه می‌دارد و این امر نه تنها از نظر تئوری، بلکه عملاً توسط تمایلات فرضیه‌ای در داخل نهضت تعاونی به کار برده می‌شود. به علاوه تئوری‌هایی که در جهت ایجاد موانع آیینی بین شکل‌های مختلف تعاونی وجود داشته‌اند بیش از پیش توسط خود تعاونی‌ها نفی گردیده‌اند.

به‌طور کلی، وحدت تعاون می‌تواند در دفاع از منافع و مصالح اعضا، ارتقاء سطح زندگی و رهایی از استثمار باشد. ویژگی مشترک تعاونی‌ها، در عین تفاوت‌هایی که دارند، این است که جملگی اهداف مشترک خود را در قالب سازمان اقتصادی تعقیب می‌کنند. تعاونی سازمانی است که از دو عنصر پیوسته تشکیل می‌شود: اجتماعی (اتحادیه اعضا) و اقتصادی (اتحادیه سرمایه). تنوع تعاونی‌ها از منبع دیگری نیز نشأت می‌گیرد و آن دیدگاه دولت‌ها یا نظام‌های سوسیالیستی است که واحد تعاونی را صرفاً در بعد اشتراکی و جمعی آن ملاحظه می‌کنند. با توجه به این که

توقعات از نهضت تعاونی در بلوک‌های مختلف قرار داده است. شرایط کلی کشورهای صنعتی و فراصنعتی، شرایط کشورهای سوسیالیستی که گام در راه آزادسازی اقتصادی گذاشته‌اند و سرانجام تفاوت شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم، وحدت برداشت از تعاونی را زیر سوال برده است و خصوصیات کمی را به عنوان مختصات مشترک و جهان شمول تعاونی‌ها باقی گذاشته‌اند. ای‌ملادناتز (E.Mladenatz) که از تازینوئیسان اندیشه‌های تعاونی به شمار می‌رود، تعاونی‌ها را به سه گروه عمده راجدیل (Rochdale)، رایفایزن (Raiffeisen) و شولزه دلچ (Schulze, Delizch) طبقه‌بندی کرده است. گرچه او معتقد بود که این سه نظام، اساساً متفاوت از یکدیگرند، ولی بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد از اصول مشترکی پیروی می‌کنند که عبارت‌اند از:

- ۱- عضویت داوطلبانه،
 - ۲- نیازها و منافع مشترک،
 - ۳- بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی اعضا،
 - ۴- مشارکت عمومی،
 - ۵- مدیریت دموکراتیک،
 - ۶- بی‌طرفی سیاسی و مذهبی،
 - ۷- اهداف آموزشی و اخلاقی.
- علیرغم تنوع منابع در این زمینه، اصول راجدیل به دو دلیل «شفافیت و جهانشمولی» به‌عنوان اصول تعاون در سطح جهانی مورد پذیرش واقع شده‌اند. این اصول شامل موارد زیر می‌باشد:
- ۱- کنترل دموکراتیک،
 - ۲- عضویت آزاد،
 - ۳- پرداخت سود محدود به سهام،
 - ۴- توزیع مازاد برگشتی به نسبت معاملات اعضا با شرکت،
 - ۵- فروش نقدی،
 - ۶- رعایت بی‌طرفی سیاسی و مذهبی،

۷- آموزش.

کمیته بین‌المللی تعاون (ICA) در سال ۱۹۳۷ اصول تعاون را در دو بخش اصول ضروری و غیرضروری تقسیم کرد. طبق این گزارش، سازمان‌های تعاونی باید بر پایه اصول زیر فعالیت نمایند:

- ۱- عضویت آزاد و داوطلبانه،
- ۲- مدیریت دموکراتیک،
- ۳- پرداخت سود محدود به سهام،
- ۴- سرمایه‌گذاری برای توسعه خدمات مشترک تجاری،
- ۵- توزیع مازاد برگشتی میان اعضا،
- ۶- آموزش،
- ۷- همکاری میان تعاونی‌ها.

اگرچه تلاش‌های مکرر و متعدد جهت اصلاح و بازنگری اصول تعاون بنابر تغییر شرایط صورت گرفته است، اما باید گفت که هیچ کدام از این اصول هنوز از چارچوب کلی اصول راجدیل خارج نشده‌اند و همچنان در چارچوب همان اصول حرکت می‌کنند. آخرین بازنگری در اصول تعاون، در اجلاس اتحادیه بین‌المللی تعاون در منچستر به سال ۱۹۹۵ صورت گرفت در نتیجه این اجلاس، اصل بازنگری به اصول تعاون اضافه شد که همان اصل «توجه به جامعه» می‌باشد.

برای بررسی ضرورت بازنگری اصول تعاون در هزاره سوم باید نگاهی به هر یک از اصول تعاون بیندازیم و بررسی کنیم: هر یک از اصول تا چه اندازه عملی شده‌اند؟ اصل اول «عضویت آزاد و داوطلبانه» است. داوطلب بودن دیگر به اندازه زمانی که رژیم‌های کمونیستی و استعماری، تعاونی‌ها را بر مبنای عضویت اجباری تشکیل می‌دادند، از اهمیت برخوردار نیست، در حال حاضر، هیچ کس را وادار به عضویت در یک تعاونی نمی‌کنند. با توجه به عضویت آزاد، موضوع اصلی این است که آیا تعاونی‌ها عملکرد خوبی در این زمینه دارند. تعاونی‌ها به

دو گروه تقسیم می‌شوند: یکی آنهایی که واقعاً به اعضا پاداش می‌دهند و گروه دیگر آنهایی که به اندازه‌ای برای عضویت ارزش قائل هستند که از اعضا می‌خواهند از لحاظ مالی به تعاونی متعهد باشند. در هزاره سوم، با توجه به جهانی شدن، نیاز به تعاونی‌های سرمایه‌بر می‌باشد تا این واحدها بتوانند سرمایه بیشتری به دست آورند، در حالی که تهدید شرکت‌های غیر تعاونی آنها را وادار می‌کند برای رشد کسب و کار خود به اعضایشان سهام اضافی به‌عنوان پاداش پرداخت نمایند. عضویت آزاد به معنی عضویت آسان نمی‌باشد.

اصل دوم، کنترل دموکراتیک اعضا می‌باشد. بسختی می‌توان ادعا کرد تعاونی‌ها در چند سال اخیر دموکراتیک‌تر شده‌اند. بویژه در کشورهای در حال توسعه، این یک موضوع اساسی است زیرا دولت مقدمات تشکیل تعاونی را فراهم می‌کند. البته تعاونی‌هایی وجود دارند که در صدد توسعه راهبردی عضویت و بهبود نتایج انتخابات و رقابتی کردن آن می‌باشند اما به سختی می‌توان آن را تعمیم داد.

اصل سوم، مشارکت اقتصادی اعضا می‌باشد. سوال اساسی در اینجا این است که آیا تعاونی‌ها به اندازه کافی کارا و مؤثر هستند به‌گونه‌ای که به اندازه سایر بنگاه‌های اقتصادی به اعضای خود سود بپردازند؟ تعاونی‌ها معمولاً از اعضایشان جدا هستند و فقط در جهت کسب مقدار معینی سود هستند. معمولاً خدماتی را که به افراد غیر عضو ارائه می‌دهند همانند عضو می‌باشد که باعث دلسردی و عدم مشارکت اعضا در تعاونی‌ها گردیده است.

اصل چهارم «استقلال و خودگردانی» است. در ده سال گذشته این اصل دو مسیر متفاوت را پیموده است. اول، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه تا اندازه‌ای پیش نرفته‌اند که از کنترل تعاونی‌های سنتی چشم‌پوشی کنند. دوم، تحت فشارهای ناشی از رقابت‌های جهانی،

برخی تعاونی‌ها به دنبال افزایش سرمایه از طریق سرمایه‌گذاران خارجی هستند.

اصل پنجم مرتبط با آموزش، حرفه‌آموزی و اطلاع‌رسانی می‌باشد. این اصل چندین گروه هدف و سه فعالیت آگاهی‌دادن، آموزش و حرفه‌آموزی را تعیین می‌کند و نشان می‌دهد تا چه حد باید تلاش نمود تا این اصل عملی گردد. در هزاره سوم برای انتقال پیام تعاون باید از کانال‌های غیر رسمی بیشتری استفاده کرد. جهانی شدن از یک طرف به این هدف کمک خواهد کرد و آن انقلاب تکنولوژی اطلاعات (IT) است که به‌نحو گسترده‌ای میزان اطلاعات جاری و سرعت جریان آن را افزایش داده است.

آخرین اصل «توجه به جامعه» است. ما می‌دانیم که این اصل اثراتی داشته است و می‌توان مثال‌های متعددی برای اجرای عملی آن ارائه داد. به‌طور کلی تعاونی‌های مصرف و اتحادیه‌های اعتباری، رهبرانی در این رابطه داشته‌اند، برخلاف تعاونی‌های بزرگتر که کاملاً منزوی و متمرکز بر اعضای خود هستند، ما در مورد زمانی تردید داریم که انتخاب بین منافع اعضا و منافع جامعه پیش آید و اینکه آیا این در درازمدت به نفع اعضا است؟

با آغاز قرن ۲۱، مسلماً فعالیت‌های متنوعی در حوزه‌های مختلف، اهمیت بیشتری نسبت به گذشته خواهد یافت. در حال حاضر، گستره بحران سراسر جهان را فرا گرفته است و چنین می‌نماید که قرن ۲۱ قرن بحران‌هاست.

امروزه، بحران باورها و اعتقادات، بحران مدیریت، بحران ایدئولوژی‌ها و از همه وخیم‌تر بحران در فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی خبر از تغییر سرنوشت قریب‌الوقوع نسل بشر می‌دهد. بنابراین باید گام‌هایی برای جلوگیری از سقوط و انقراض نسل بشر برداشته شود. تنها راه حلی که برای نجات و احیای نظام ارزش‌ها وجود دارد همانا فعالیت‌های عادلانه می‌باشد. در نتیجه

تعاون به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی، نیازمند ارزش‌های جدید می‌باشد. به این منظور اصول تعاون بازنگری شده باید بر پایه ارزش‌هایی شکل گیرند که از درجه اهمیت و الایی برخوردارند.

تعاونی‌ها باید هدف خویش را برپایه ارتقاء و تعالی بخش‌ی اصول اخلاقی در بین اعضا و غیراعضا قرار دهد، تا این که افراد بتوانند به‌عنوان شهروندانی مفید برای جامعه خدمت کنند. تعاونی‌ها باید با ارائه برنامه‌های آموزشی به اعضا درباره ارزش‌های زندگی ساده‌زیستی و عدم وقفه و خروج از نظم و روال عادی فعالیت شرکت به خاطر پول و سایر ملاحظات نامربوط اقدام نمایند.

ایجاد این اصول بر پایه ارزش‌ها و اصول اخلاقی باعث می‌شود که تعاونی‌ها بر طبق روحیات واقعی تعاون، در جهت پیشرفت و در مسیر موقعیت بهتر و بالاتر قرار گیرند.

فهرست منابع:

- ۱- انصاری، حمید (۱۳۸۵). تعاونی‌ها در هزاره سوم، انتشارات وزارت تعاون.
- ۲- بیات، اصغر (۱۳۸۴). اصول تعاون ده سال پس از تصویب. ماهنامه تعاون. شماره ۱۷۳.
- ۳- شیرزادی، حسینعلی (۱۳۷۸). جزوه اصول و اندیشه تعاونی‌ها. تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- ۴- طالب، مهدی (۱۳۷۶). اصول و اندیشه‌های تعاونی، چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- نهاوندی، هوشن (۱۳۵۵). اصول و مبانی تعاون. انتشارات دانشگاه شیراز.

6-Davis, peter, international cooperative information, A Shrt History of cooperative movment, 1995.